

### قرآن نامه محبوب

امام خمینی

فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگرچه با قرائت آن؛ و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس، و نامه محبوب، محبوب است اگرچه عاشق و محب مفاد آن را نداند و با این انگیزه، حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دست گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به شکرانه این که قرآن کتاب ما است به سجده رویم از عهده برنیامده‌ایم.

پسرم! دعاها و مناجات‌هایی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است بزرگ‌ترین راهنماهای آشنایی با او - جل‌وعلا - است و والاترین راهگشای عبودیت و رابطه بین حق و خلق است و مشتمل بر معارف الهی و وسیله انس با او است و راه‌آورد خاندان وحی است و نمونه‌ای از حال اصحاب قلوب و ارباب سلوک است. وسوسه‌های بی‌خبران تو را از تمسک به آن‌ها، و اگر توانی از انس با آنها غافل نکند. ما اگر تمام عمر به شکرانه آنکه این وارستگان و واصلان به حق، ائمه ما و راهنمایان مایند به نیایش برخیزیم از عهده برنخواهیم آمد.

### معارفی که از دعاها فرا می‌گیریم

مقام معظم رهبری

یکی از برکات ادعیه مأثورهای که از ائمه علیهم‌السلام رسیده این است که این دعاها پُر از معارف الهی است. صحیفه سجادیه، دعای کمیل، دعای مناجات شعبانیه، دعای ابی‌حمزه ثمالی - و بقیه دعاهایی که وارد شده است - پُر از معارف الهی است که اگر کسی اینها را بخواند و بفهمد، علاوه بر آن ارتباط قلبی و اتصالی که به ذات اقدس الهی و حضرت ربوبی پیدا می‌کند، یک مبلغ عظیمی از معارف را هم از این دعاها فرا می‌گیرد.

من به جوان‌ها قویاً توصیه می‌کنم که به ترجمه این دعاها توجه کنند. این دعاهای عرفه و ابی‌حمزه، پُر از معارف است. اینکه در دعای کمیل می‌خوانیم: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الذّعاء؛ اللهم اغفر لی الذّنب الّتی تنزل الیلا» یا «تنزل النقم»، همه اینها معارف الهی است، یعنی معنایش این است که ما افراد بشر، گاهی خطاها و گناهانی می‌کنیم که این گناهان مانع از این می‌شود که دعای ما مورد اجابت قرار بگیرد و قبول بشود؛ گناهانی از ما سر می‌زند که این گناهان، بلا را برای ما به ارمغان می‌آورد. گاهی یلاهای عمومی و ملی، بر اثر گناهانی به وجود می‌آید و البته اعلام نمی‌شود که این بلا برای این گناه به‌وجود آمد؛ اما وقتی افراد صاحب تدبیر، فکر و تدبیر کنند، می‌فهمند که این بلا از ناحیه چه عملی متوجه این ملت شد. بعضی اوقات اثر اعمال سریع است و بعضی با فاصله است؛ اینها را دعا به ما می‌گوید. یا وقتی در دعای ابی‌حمزه عرض می‌کنیم:

«...این که من تو را می‌شناسم، خود این، راهنمای من به سوی توست؛ این که من تو را دوست می‌دارم و محبت تو در دل من هست، خودش شفاعت کنند من پیش توست... من وقتی این راهنما را مشاهده می‌کنم، این معرفت خودم به تو را - که راهنما و دلیل من است - نگاه می‌کنم؛ وقتی این محبتی را که به تو دارم، مورد ملاحظه قرار می‌دهم، می‌بینم این تو هستی که این محبت و دلالت را به وجود آوردی؛ تویی که داری کمک می‌کنی».

ببینید این، چشم انسان را باز می‌کند؛ این، یک معرفتی را ایجاد می‌کند؛ این از معارف الهی است؛ کمک الهی، توفیق الهی و عنایت الهی است؛ اینها را در دعاها می‌توان پیدا کرد. بنابراین قدر دعا را بدانید.

### ترس از خدا

استاد شهید مرتضی مطهری

ممکن است این سؤال برای بعضی مطرح شود که ترس از خدا یعنی چه؟ مگر خداوند یک چیز موحش و ترس‌آوری است؟ خداوند کمال مطلق و شایسته‌ترین موضوعی است که انسان به او محبت بورزد و او را دوست داشته باشد. پس چرا انسان از خدا بترسد؟

در جواب این سؤال می‌گوییم مطلب همین‌طور است. ذات خداوند موجب ترس و وحشت نیست، اما اینکه می‌گویند از خدا باید ترسید یعنی از قانون عدل الهی باید ترسید. در دعا وارد است: «...ای کسی که امیدواری به او، امیدواری به فضل و احسان او است و ترس از او، ترس از عدالت او است». ایضاً در دعا است: «...تو منزهی از اینکه از تو ترسی باشد جز از ناحیه عدالت و از اینکه از تو جز امید نیکی و بخشندگی توان داشت».

عدالت هم به نوبه خود امر موحش و ترس‌آوری نیست. انسان که از عدالت می‌ترسد در حقیقت از خودش می‌ترسد که در گذشته خطاکاری کرده و یا می‌ترسد که در آینده از حدود خود به حقوق دیگران تجاوز کند. لهذا در مسئله خوف و رجا که مؤمن باید همیشه، هم امیدوار باشد و هم خائف، هم خوشبین باشد و هم نگران، مقصود این است که مؤمن همواره باید نسبت به طغیان نفس اماره و تمایلات سرکش خود خائف باشد که زمام را از کف عقل و ایمان نگیرد و نسبت به ذات خداوند اعتماد و اطمینان و امیدواری داشته باشد که همواره به او مدد خواهد کرد. علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام در دعای معروف ابی‌حمزه می‌فرماید: مولای ادا رایت ذنوبی فزعت، و اذا رایت کرمک طمعت. یعنی هرگاه به خطاهای خودم متوجه می‌شوم ترس و هراس مرا می‌گیرد و چون به کرم وجود تو نظر می‌افکنم امیدواری پیدا می‌کنم.

### خوف و رجای صادقانه

آیت‌الله مصباح یزدی

همه ما کمابیش ادعا داریم که هم از عذاب خدا می‌ترسیم و هم امید به بهشت خداوند داریم هم خوف داریم و هم رجا. اما این ادعا چه اندازه واقعیت دارد، معلوم نیست!

در نهج‌البلاغه، حکمت صدوق‌نجاه، امیرمؤمنان علیه‌السلام مجموعه نصایحی را فرموده‌اند. مرحوم سید رضی وقتی این‌ها را نقل می‌فرماید، می‌گوید: اگر در نهج‌البلاغه غیر از همین حدیث نبود، همین یک حکمت بالغه برای موعظه انسان‌ها کافی بود. اولش این است، می‌گوید: «چنین نباش که یگویی امید به آخرت دارم اما کاری انجام ندهی، و وقتی پای گناه پیش می‌آید یگویی ان‌شاءالله خدا می‌بخشد. وقتی به تو می‌گویند: توبه کن! می‌گویی: حالا زود است» و به واسطه آرزوهای دور و درازی که داری توبه را عقب بیندازی.

در روایت دیگری خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردند: بعضی از شیعیان شما که ادعای تشیع دارند و خودشان را منتسب به شما می‌دانند، از خیلی از گناهان دوری نمی‌کنند. گناه می‌کنند و می‌گویند: امید داریم که خدا بیامرزد. این‌ها وضعشان چطور است و آیا شما تأیید می‌کنید؟ حضرت فرمود: «دروغ می‌گویند و از دوستان ما نیستند. اینها کسانی هستند که آرزوها بر آنها غالب شده و کارهایشان را توجیه می‌کنند». بعد یک قاعده کلی می‌فرماید: «من رجا شیئا عمل له؛ اگر کسی امیدی به چیزی داشته باشد تلاش می‌کند که به آن برسد». چطور این‌ها امید به آمرزش دارند اما کاری برای آمرزششان انجام نمی‌دهند؟ پس دروغ می‌گویند.

